

بسمه تعالی

نظام مهندسی یا معضل مهندسی

مهدی وجودی

دبیر جمعیت کاهش خطرات زلزله ایران

Info@Vojoudi.com

مقدمه

پیشرفت هر کشوری مرهون تلاشهای بیشمار مهندسان آن است. مهندسان هر جامعه با تکیه بر دانش و توان علمی خود، اقدام به اجرای پروژه‌هایی می‌کنند که زیر ساخت‌های آن جامعه را تشکیل می‌دهند و تسهیلات ارتباطی، حمل و نقل، بهداشت، آموزش و ... را فراهم می‌آورند. با وجود این، در کشور ایران فعالیت مهندسی و قشر مهندسين مورد توجه قرار نگرفته و در طول سالهای متمادی، ارگانها و سازمانهایی که متولی دفاع از حقوق مهندسان، ارتقاء کیفیت کاری و آموزشی آنها و نیز نظارت بر فعالیت آنها بوده‌اند، نتوانسته‌اند خدمات مطلوب را ارائه نمایند. این سازمانها و نهادها که به منظور نظم بخشیدن و ایجاد ساختار مناسب فعالیت‌های مهندسی به وجود آمده بودند، گاهی خود به عنوان معضلی برای جامعه مهندسی کشور به حساب می‌آیند. چرا که نه تنها نتوانسته‌اند که به اهداف اساسنامه‌ای خود دست یابند بلکه عملکرد نادرست آنها ضربات بسیار زیادی به بدنه ساخت و ساز کشور زده است.

یکی از مهمترین ارگانهایی که مستقیماً مسئولیت حمایت، ارتقاء علمی، و نظارت بر فعالیت مهندسان را دارد، سازمان نظام مهندسی است. در مقاله حاضر سعی شده فعالیت سازمان نظام مهندسی ساختمان طی سالهای گذشته مورد توجه قرار گرفته و ساختار آن نقد شده و در نهایت پیشنهادهای اجرایی لازم برای ارتقاء این نظام ارائه گردد.

ساختار نظام مهندسی

نظام مهندسی ساختمان در کشور ایران، ساختار پیچیده‌ای دارد که نمی‌توان آن را با هیچ یک از ساختارهای تعریف شده و استاندارد جهانی، مطابقت داد. چرا که نظام مهندسی نه ساختار کاملاً غیردولتی (NGO) دارد و نه ساختار کاملاً دولتی؛ نظام مهندسی یک نهاد وابسته به دولت است و متأسفانه این وابستگی به دولت، باعث گردیده تا نتواند به عنوان یک نهاد مستقل، فعالیت‌های خود را تعریف نموده و به عملکرد نظارتی خود در سطح عالی دست یابد.

ساختار نظام مهندسی ساختمان، به گونه‌ای کاملاً زیرکانه طرح ریزی شده است تا بدون داشتن هرگونه قدرت نظارتی و توان انتقادی، در صورت لزوم بتوان از آن به عنوان یک سازمان غیردولتی (NGO) یاد کرد. غافل از اینکه سازمانهای غیردولتی تعریف خاص خود را داشته و در آنها هیچ گونه دخالت دولت مجاز نمی‌باشد.

متاسفانه قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان که در سال ۱۳۷۴ به تصویب هیات وزیران رسیده است کاملاً دولت مدار بوده و سایه وزارت مسکن و شهرسازی در جای جای این قانون به چشم می‌خورد و این امر باعث گردیده، تا ارج و ارزش سازمان نظام مهندسی در حد بازیچه ای برای این وزارتخانه تقلیل یابد. در این ساختار، مهندسان عضو این نظام، با شرکت در رای گیری به انتخاب نمایندگان خود می‌پردازند و نهادهایی همچون شورای استان انتخاب می‌شوند. ولی متاسفانه در انتخاب اعضای شورای مرکزی و رئیس این شورا تمام نظرات و آرای مهندسان پایمال شده و انتخاب توسط وزیر مسکن از میان دو برابر ظرفیت انجام می‌پذیرد. ولی آیا غیر از این است که برنامه ها و خط مشی‌های کلی و موضع گیریهای یک سازمان توسط شورای مرکزی و ریاست آن انجام می‌پذیرد؟ که مطمئناً وزیر مسکن و شهرسازی، افرادی را انتخاب خواهد کرد که هم رأی و همجهت برنامه های او باشند. در چنین فضایی است که انگیزه و علاقه مهندسان به عضویت در نظام مهندسی نه به عنوان نهادی که به آن تعلق دارند، بلکه به عنوان منبع درآمدی با دریافت برگه بدل گردیده است.

کاستی های نظام کنونی

برای اینکه هر سازمان و ارگانی در جهت صحیح و درست حرکت کند و اعتماد مردم نسبت به آن جلب گردد و بتواند از سرمایه‌های مادی و معنوی نهایت استفاده را داشته باشد نیاز به ناظری قدرتمند و بی طرف دارد. در این بین وزارت مسکن و شهرسازی با توجه به اینکه وظیفه هدایت ساخت و ساز کشور را در دست دارد، یکی از مجموعه‌هایی است که باید نظارت مداوم و مستمر از سوی نهادهای متخصص بر تصمیمات و فعالیتهای این وزارتخانه وجود داشته باشد.

نظام مهندسی ساختمان به عنوان بزرگترین اجتماع مهندسی کشور و با توجه به اینکه نظارت بر فعالیتهای ساختمانی از اصلترین وظایف آن می‌باشد، یکی از نهادهایی است که باید چنین نظارتی بر وزارت مسکن و شهرسازی داشته و گزارشهای مستمر را در این راستا ارائه نماید.

اما ساختار کنونی نظام مهندسی، هرگز چنین اجازه ای را به این نظام نخواهد داد چرا که با انتخاب شورای مرکزی و رئیس آن توسط وزیر مسکن، استقلال نظام مهندسی کاملاً از بین می‌رود و دیگر چنین مجموعه وابسته‌ای نمی‌تواند بر کارفرمای خود که وزارت مسکن و شهرسازی است نظارت داشته باشد.

برای مثال تصمیمات مربوط به طرح جامع شهرها مستقیماً از سوی وزارت مسکن و شهرسازی ارائه می‌شود و متاسفانه گاهی شاهد تصمیماتی از سوی این وزارت خانه هستیم که باعث گسترش نادرست شهرها و یا ساخت و ساز بر روی منطقه گسلها یا مناطق مستعد زمین لغزش شده است. شهر تبریز یکی از شهرهایی که است که سابقه لرزه خیزی آن کاملاً مستند بوده و گسل مسبب این زمین لرزه ها نیز کاملاً شناخته شده است. با وجود چنین شناختی، وزارت مسکن و شهرسازی در چند سال اخیر باعث گسترش شهر در منطقه شمال شهر تبریز که دقیقاً بر روی منطقه "گسل شمال تبریز" قرار دارد گردیده و شهرکهای جدیدی همچون باغمیشه را ایجاد کرده است که چند سال پیش اثری از این ساخت و سازها وجود نداشت. در چنین شرایطی است که سکوت سازمان نظام مهندسی ساختمان در طول سالها نشان از ناکارآمدی چنین روندی دارد و هیچ گونه اعتراضی از سوی نظام مهندسی در مورد شهر تبریز یا شهرهای دیگر که شرایط مشابه دارند به عمل نیامده است.

نمونه دیگر در مورد مجتمع ۱۰۸۴ واحدی استیجاری شهرستان بم است. وقتی زمین‌لرزه، شهر بم را در دی ماه ۱۳۸۲ لرزاند، ساخت این مجتمع توسط وزارت مسکن و شهرسازی آغاز گردیده بود. این مجتمع دقیقاً بر روی گسل شناخته شده شهر بم قرار داشته و تمام واحدهایی که قبل از این زلزله ساخته شده بودند، در اثر زلزله فروریخت. این در حالی است که بعد از بازسازی واحدهای آسیب دیده در پس لرزه‌ها دوباره این واحدها دچار خسارتهای زیادی شدند. این بدین معنی است که وزارت مسکن و شهرسازی وقتی خود مستقیماً وارد فرآیند ساخت و ساز می‌شود، بدون داشتن هیچگونه ناظری و با در دست داشتن قدرت در زمینه طرحهای جامع شهری، اقدام به انجام پروژه‌هایی می‌کند که از نظر مهندسی مردود است. شاید جالب باشد بدانید که محل احداث این مجتمع مسکونی در شهر بم، خارج از محدوده شهری قرار داشته و وزارت مسکن خود بدون توجه به نقشه طرح جامع شهری که از سوی خود تایید شده است، این مجتمع را در خارج از محدوده مشخص شده می‌سازد! مثالهای فوق دو نمونه از مشکلاتی است که توسط خود وزارت مسکن و شهرسازی ایجاد گردیده و شاهد هیچ گونه اظهار نظری از سوی سازمان نظام مهندسی نبوده و نیستیم.

در حال حاضر، به جرات می‌توان گفت که سازمان نظام مهندسی تبدیل به یک بنگاه مالی برای گردانندگان آن شده است. سازمان نظام مهندسی استان کرمان بعد از زلزله شهر بم، به منظور نظارت بر روند ساخت و ساز مبلغی بالغ بر ۶ میلیارد تومان دریافت نمود تا بر ساخت و ساز در بم نظارت داشته باشد. مشروح روند این نظارت و مشکلات مربوط به آن در روزنامه شرق مورخ شانزدهم دی ماه سال ۱۳۸۳ تحت عنوان "نظارت مردمی از حرف تا عمل" از سوی سازمان غیردولتی "جمعیت کاهش خطرات زلزله ایران" (EHRSI) به چاپ رسید. نکته جالب در این نظارت این است که افرادی برای نظارت بر ساختمانهای شهر بم این مبلغ را دریافت کرده اند که قبل از زلزله نیز ناظر بر ساختمانهای فروریخته بوده‌اند. شاید لازم بود حداقل به عنوان جبران عملکردهای قبلی، این نظارتها داوطلبانه انجام می‌گرفت.

فعالیت‌های انجام نشده

علاوه بر وظایف نظارتی سازمان نظام مهندسی ساختمان که در بالا به آن اشاره شد، بسیاری از فعالیتهایی که به صراحت در قانون این سازمان ذکر شده است، بعد از ۱۰ سال که از تشکیل آن می‌گذرد، همچنان مسکوت باقی مانده و هیچ گونه فعالیتی در جهت رسیدن به اهداف ذکر شده انجام نپذیرفته است. ماده ۴ این قانون وظیفه آموزش به فعالان در بخش ساختمان را به سازمان نظام مهندسی، وزارت مسکن و شهرسازی و نیز وزارت کار و امور اجتماعی محول می‌کند. در تبصره ۱ این بند ۱۰ سال مهلت از زمان ابلاغ این قانون تعیین شده تا در این ده سال، همه افراد شاغل تحت آموزش قرار گیرند.

شاید اگر این بند تا کنون حتی به صورت جزئی به اجرا در می‌آمد ما در ساخت و ساز ساختمانها با چنین مشکلات بزرگی در اجرا روبرو نبودیم. در وضعیت کنونی، شما می‌توانید هر تعداد که بخواهید استاد و دکترای مهندسی عمران را پیدا کنید ولی مطمئناً در پیدا کردن تکنسین اجرایی ساختمان چه در زمینه اسکلت فلزی یا بتنی و ... که دارای مهارت تایید شده باشد دچار مشکلات فراوان خواهید بود و شاید اصلاً چنین افراد ماهری پیدا نکنید. اینگونه است که ما هنوز با تکنولوژی روستایی، در حال ساخت برجهای بلند هستیم. برجهایی که مطمئن باشید کوچکترین جزء آن توسط افراد ماهر اجرا نشده است. و مسلماً این نقص برمیگردد به کم کاریهای سازمان نظام

مهندسی که نتوانسته در ۱۰ سال گذشته به وظیفه خود عمل نماید تا بتواند مشکل کمبود کارگر و تکنسین ماهر را پوشش دهد و یا حداقل اگر این آموزش از وظایف ارگانهای دیگر بوده باشد، گزارشی از عدم کارکرد آنها تهیه و منتشر نماید.

جمع بندی

از موارد ذکر شده در فوق که گوشه ای از شرایط حاکم بر سازمان نظام مهندسی است، برمی آید که:

- سازمان نظام مهندسی بدلیل اینکه از نظر اداره امور وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی است، نتوانسته هرگز خود را در جریانهای بزرگ کشور سهیم کند و همواره به عنوان زیر مجموعه ای از وزارت مسکن، به انجام امور نظارت بر نقشه های ساختمانهای مسکونی پرداخته و قادر به ایفای نقشی هرچند کوچک در پروژه های بزرگ و حیاتی نبوده است.
- سازمان نظام مهندسی حتی نتوانسته جایگاهی امن و مطمئن برای مهندسان ایجاد کند و بتواند از حقوق آنها دفاع نموده و جایگاهی در اعتلای فرهنگ مهندسی کشور داشته باشد.
- در حال حاضر، رفته رفته نقش سازمان نظام مهندسی حتی در نظارت بر ساختمانهای مسکونی نیز بیرنگ شده و تقریباً پشت صحنه قرار گرفته است. در بسیاری از شهرها، شهرداریها بدلیل ناکارآمدی مدیریتی سازمانهای نظام مهندسی استانها، کار نظارت را از نظام مهندسی سلب کرده و حتی دیگر نظام مهندسی قادر به انجام فعالیت نظارتی بر پروژه های مسکونی نیز نیست.

با در کنار هم قرار دادن شرایط ذکر شده در فوق، مشخص می شود که سازمان نظام مهندسی در طول ۱۰ سال گذشته نتوانسته است عملکرد شایسته ای داشته باشد و این ضعف عملکردی بر می گردد به ضعف ساختاری و وابسته بودن این نظام به دولت و وزارت مسکن و شهرسازی. شاید ۱۰ سال پیش، یعنی سال ۷۴ که سازمان نظام مهندسی توسط وزارت مسکن تاسیس گردید به دلیل نوپا بودن آن نیاز به حمایت از سوی این وزارتخانه داشت. ولی اکنون با وجود ۱۰ سال تجربه، نظام مهندسی دوران طفولیت خود را سپری نموده است و مطمئناً ادامه فعالیت به صورت زیر مجموعه ای از بدنه دولت دیگر پاسخگوی نیازهای کنونی جامعه و انتظاری که از این سازمان می رود نخواهد بود. چرا که هم اکنون نظام مهندسی جایگاهی در بین مهندسان ساختمان کشور ندارد و این سازمان تبدیل به یک ارگان فرمایشی و منبع صدور برگه شده است.

اولین حرکتی که باید از سوی مهندسان برای اصلاح ساختار نظام مهندسی و توانمند سازی آن انجام پذیرد، استقلال کامل این سازمان می باشد، چرا که تنها در صورت تحقق چنین استقلالی است که سازمان نظام مهندسی به عنوان یک سازمان غیردولتی خواهد توانست به اهداف خود که هم اعتلای کیفیت ساخت و ساز و هم دفاع از حقوق و جایگاه مهندسی است، دست یابد.